

واکاوی تاریخی خمس در نظام اقتصادی حکومت نبوی

ذکرالله محمدی*

امیرعلی حسنلو**

چکیده

از جمله موضوعاتی که همواره پس از پیامبر، شبهه‌افکنی شده موضوع خمس است. برخی شبهه کرده‌اند که پیامبر ﷺ و ائمه هرگز خمس نگرفته‌اند و خمس را آخوندهای شیعه برای تأمین زندگی خود درست کرده‌اند. این مقاله در پاسخ به این شبهه و در اثبات دریافت خمس توسط رسول‌الله ﷺ و رواج آن نوشته شده؛ اسلام به منظور ایجاد عدالت و حفظ و اداره امور عمومی و رفع فقر از جامعه، قواعد دقیقی پی‌ریزی کرده است؛ از جمله مقررات مربوط به انفال، فیه، خراج، جزیه، زکات، خمس، صدقه و مالیات بر درآمد است. در این مقاله، به خمس و صدقه که از ارکان مالی اسلام است پرداخته می‌شود.

خمس همانند نماز و حج یکی از تکالیف شرعی است که از سوی خداوند ابلاغ شده و همان زمان توسط رسول‌الله ﷺ به اجرا گذاشته شد؛ در زمان خلفا هم اگرچه با اخلاص و مواجه بود، اما مورد توجه و سپس در زمان ائمه به سیره رسول‌الله ﷺ عمل شد و ائمه (علیهم‌السلام) نواب آنان به این فریضه دینی عمل کرده و در عصر غیبت دریافت آن را به‌عهده نمایان عام گذاشته‌اند که توسط فقهای اسلام مورد توجه و عمل واقع شده است که البته دارای برکات و آثار تمدنی بی‌شمار است.

واژگان کلیدی: خمس، رسول خدا ﷺ، اهل‌بیت (علیهم‌السلام)؛ غنایم جنگی، شیعه، احسان.

*. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

** . دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی قم، hasanloo1349@yahoo.com

مقدمه

هر نظام و ساختار حاکمیتی برای تأمین هزینه‌های عمومی و تأمین درآمد برای عمران و آبادانی و رفع فقر از جامعه مؤلفه‌ها و تدابیر و طرح‌های خاصی پیش‌بینی می‌نماید؛ دین اسلام و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز براساس رهنمون و نص وحی، راه‌ها و روش‌هایی برای تأمین این هزینه‌ها و رفع فقر، زمینه‌ها و مقدمات و توصیه‌هایی فراوان دارد. سراسر قرآن دعوت به تعاون و همدلی است؛ علاوه بر این توصیه‌های عمومی زاهدی‌های خاص و مقررات ویژه نیز به صورت قانون یا تکلیف بر همه امت اسلام وضع می‌کند که ثروتمندان و توانمندان مالی اعم از کشاورز و دامدار و تاجر هر یک به فراخور حال و منبع درآمدی خود باید در تأمین این هزینه‌ها مشارکت کرده و در اداره جامعه به یاری حاکم اسلامی از جهت مالی و پشتیبانی و حمایت از دارایی خود بخشی را در اختیار حاکم اسلامی قرار دهند، از این‌رو یکی از احکام و قوانین متعالی که از طرف خدای حکیم و مهربان در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، به مردم ابلاغ و در زمان خود حضرت رسول به اجرا گذاشته شده است، خمس می‌باشد.

پاسخ

خمس یک‌پنجم چیزی است؛ يقال خمسست القوم؛ یعنی یک‌پنجم اموالشان را گرفتم (مقایس‌اللغه)؛ پس خُمُس یا خُمس در اصطلاح شرع حقی است که خروج آن از مال واجب بوده و بنی‌هاشم مستحق آن هستند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۶). تعریف اصطلاحی خمس از دیدگاه فقها همان معنا را با قیودی دربردارد؛ نوع نگرش هرکس درباره علت تشریح نقش و جایگاه اقتصادی خمس در تعریف ارائه شده او بازتاب می‌یابد و از تعریف هر یک، نگرش او نسبت به خمس و مصرف آن مشخص می‌شود؛ صاحب جواهر خمس را چنین شرح و توضیح داده است؛ خمس حق مالی است که خداوند متعال بر بندگانش در مال ویژه به نفع خود و اهل بیت‌توضیح کرده است؛ کسانی از اهل بیت که پیشوایان و رهبران مردم و صاحبان فضل و احسان می‌باشند؛ به‌خاطر ارج نهادن به‌جای صدقه و زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۶، ص ۲).

الف) نظام اقتصادی اسلام

دین مبین اسلام، برای اداره جامعه اسلامی و تأمین هزینه‌های عمومی ضمن دعوت مردم به تعاون و همکاری در امور خیریه براساس درآمد مقرراتی چون پرداخت خمس، زکات، صدقه، مالیات و... وضع کرده است. شارع مقدس برای دریافت این امور مقررات و احکامی را وضع کرده است. این مقررات و شرایط برای تأمین مایحتاج عمومی دولت اسلامی از طریق دریافت و ایصال این نفقات ضرورت دارد.

شرع مقدس اسلام برای همه امور زندگی الزاماتی دارد که اجرای آن قوانین ضمانت سلامت و سعادت جامعه اسلامی را در پی دارد:

۱. خمس و مقررات و شرایط مربوط به آن؛
 ۲. انفال و مقررات و شرایط مربوط به آن؛
 ۳. مقررات و شرایط مربوط به فیه؛
 ۴. جزیه و مقررات و شرایط مربوط به آن؛
 ۵. خراج و مقررات و شرایط مربوط به آن؛
 ۶. زکات و مقررات مربوط به آن (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۷-۲۵۲).
- اسلام حکمت و مقاصد و اهدافی برای دریافت این عنوان‌های مالی وضع کرده و در نظر گرفته است:

۱. فراهم‌سازی بسترهای اجرای احکام الهی و سعادت جامعه با برخورد ریشه‌ای با فقر؛
 ۲. اجرای عدالت و فراهم کردن زمینه مساوات در جامعه؛
 ۳. مبارزه با فاصله طبقاتی؛
 ۴. مبارزه و مقابله با فقر و محرومیت مطلق که برای جامعه اسلامی بسیار شکننده است و اسلام برای پیشگیری از تبعات فقر به این ضوابط پرداخته است؛
 ۵. مبارزه با احتکار، گرانفروشی، غش در معامله، کم‌فروشی، ربا (همان).
- در این مقاله به تبیین تاریخی وجوب خمس و احسان و شرایط و اجرای آن در عهد رسول‌الله ﷺ، و آثار و فواید بی‌شمار آن پرداخته می‌شود.



ب) زمان آغاز خمس براساس متون تاریخی

براساس گزارش کلبی برخی از مسلمانان از همان آغاز هجرت که در درگیری با مشرکان غنیمتی را به دست می‌آوردند، طبق رسم‌های پیش از اسلام، غنایم را نزد رسول خدا ﷺ آورده و می‌گفتند: ای رسول خدا ﷺ آنچه مخصوص شماست و یک‌چهارم را بگیر و باقی را به ما واگذار نما؛ پس همان‌طور که ما در جاهلیت رفتار می‌کردیم یک‌چهارم از غنایم و مزایای آن، در اختیار شماست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۹۲). بعد از اسلام نیز در عصر نبوی بر مسلمانان لازم بود که خمس غنایم به دست آمده از سرزمین‌های فتح شده و غنایم به دست آمده از مشرکان (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۷۸) و خمس درآمد را پرداخت کنند. طبق برخی گزارش‌ها نخستین غنیمت جنگی که سهم حاکم و رسول خدا ﷺ از آن برداشت شد، غنایمی بود که در جریان جیش عبدالله بن جحش در منطقه نخله به دست آمد. در این درگیری، کشمش، پوست و دیگر کالاهای تجاری به غنیمت مسلمانان در آمد و آن را به مدینه آوردند. عبدالله به یاران خویش گفت: یک‌پنجم غنیمت شما از آن رسول خدا ﷺ است. البته این پیش از تشریح خمس بود. به هر حال، وی خمس غنایم را برای پیامبر گرامی ﷺ جدا کرد و باقی‌مانده را میان یاران خود تقسیم کرد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۲ و ۴۸۱).

ج) تشریح خمس و نزول آیه خمس و مفهوم غنیمت

برخی شبهه کردند که خمس مربوط به غنایم جنگی است و پیامبر ﷺ هم از غنایم جنگی خمس گرفته و آیه هم در این باره نازل شده است.

در مورد اصل تشریح حکم وجوب خمس ارباح مکاسب، در بین فقهای شیعه، هیچ اختلافی نیست؛ مدرک این حکم، آیه شریفه خمس، و روایات - معتبری است که از معصومین علیهم‌السلام رسیده - می‌باشد. در این بحث، فقط به ذکر و تحلیل آیه شریفه اکتفا می‌شود:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ أَجْمَعِينَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی]

به‌عنوان غنیمت و فایده به‌دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک‌پنجم آن برای خدا و رسول خدا ﷺ و خویشان پیامبر و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده‌اش روز جداکننده حق از باطل، روز رؤیاریوی دو گروه [مؤمن و کافر در جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید [پس آن را به‌عنوان حقیقی واجب به خدا و رسول و دیگر نامبردگان بپردازید] و خدا بر هرکاری تواناست» (انفال: ۴۱). لازم به ذکر است پرداخت خمس یکی از شرایط مؤمن و ایمان در این آیه به‌شمار آمده است.

سبب نزول آیه شریفه ناظر به پاره‌ای از مسلمانان بعد از جنگ بدر است که بر سر تقسیم غنایم جنگی مشاجره کردند؛ لذا مراد از «یوم‌الفرقان» همان روز بدر است که نشانه‌های حقانیت اسلام ظاهر شد و مرز جدایی حق و باطل (کفر و ایمان) گردید و مسلمانان با عده قلیل به دشمنان اسلام با این‌که از کثرت نیرو برخوردار بودند، چیره شدند. پس این آیه به تناسب آیات جهاد مطرح شده و از آنجا که موضوع جهاد غالباً با مسئله غنایم آمیخته شده، لذا بیان حکم غنایم نیز لازم بود که مطرح شود و مطرح شد و از این زمان پرداخت خمس تشریح شد (طیب اصفهانی، ج ۶، ص ۱۲۹-۱۲۶).

۱. مفهوم شناسی واژه «غنیمت»

این واژه به اتفاق لغت‌شناسان، به‌معنی فایده بردن و تسلط بر هر چیز است؛ بنا براین، از نظر لغت، اختصاص به اموال تصرف شده در جنگ ندارد، بلکه هر چیزی که عرفاً نوعی سود و فایده محسوب گردد، به آن غنیمت گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۶۱۵).

قبل از اسلام این واژه هرگز در مورد غنایم جنگی به‌کار برده نشده است؛ پس اگر شارع حکیم بخواهد این واژه را از معنای حقیقی خود، به‌معنای دیگری، انتقال دهد، حتماً باید قرینه باشد؛ نمونه «ما غنمتم من الحرب»، درحالی‌که چنین قرینه‌ای وجود ندارد؛ لذا می‌توان گفت غنیمت مطلق درآمد را شامل می‌شود.

با بررسی موارد کاربرد این واژه در قرآن کریم، روایات و خطبه‌ها، این واژه در تمام موارد به‌معنای لغوی خود به‌کار رفته؛ نه تنها در مطلق فواید مادی استعمال شده، بلکه در فواید معنوی هم، توسط شارع مقدس، استعمال شده است. خداوند حکیم می‌فرماید:

«...فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ...» (نساء: ۹۴).

مضمون کلی این آیه این است: مبدا مسلمانان به خاطر دستیابی به مال و فواید دنیوی، خون بی‌گناهی را بریزند؛ زیرا غنیمت‌های فراوانی برای آنان در نزد خداوند قادر و متعال وجود دارد.

در این آیه شریفه، واژه غنیمت در نعمت‌های اخروی به‌کار رفته است؛ قابل توجه است که در فرازهای قبلی آیه، نسبت به اموال تصرف شده در جنگ، لفظ غنیمت به‌کار نرفته، بلکه به‌عنوان مال ناچیز دنیوی از آن‌ها یاد شده است: «...تَبْتَغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (نساء: ۹۴).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام گرفتن زکات می‌فرمودند: «اللهم اجعلها مغنماً ولا تجعلها مغرمأ؛ پروردگارا! این زکات را سود و فایده‌ای برای صاحبش قرار بده و ضرری برایش نباشد (ابن‌ماجه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «أَلَا وَإِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةً، وَسُبُلَهُ قَاصِدَةٌ، مَنْ أَحَدَّ بِهَا لِحِقِّ وَغَنِمٍ، وَمَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ وَنَدِمَ؛ آگاه باشید که احکام دین، یکی است و راه‌های مستقیم و روشن؛ هرکسی در مسیر آن گام نهد، به مقصد رسد و غنیمت بردارد و هرکس آن را نیپماید، گمراه و پشیمان شود» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۲۰).

در جای دیگر می‌فرمایند: «یري الغنم مغرماً والغرم مغنماً؛ انفاق را که غنیمت است، غرامت، و غرامت را که بخل است، غنیمت می‌بیند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، حکمت ۱۵۰).

در حدیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده: «الزَّهْنُ لِمَنْ رَهْنَهُ، لَهُ غَنِمَةٌ وَعَلَيْهِ غَرْمَةٌ (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۹۲)؛ مال مرهونه (مالی که نزد کسی، به‌گرو گذاشته‌اند)، مال صاحبش هست، اگر فایده‌ای داشت، مال اوست و اگر هم خسارتی دید، متوجه اوست».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حکم و قاعده کلی فقهی «غنیمت» را در مقابل «غرامت» قرار داده‌اند (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۴۰).

در نتیجه این واژه در همه‌جا در معنای لغوی خودش یعنی مطلق فایده و سود به‌کار رفته است و اگر به اموالی که در جنگ از دشمنی گرفته شده غنیمت می‌گویند به جهت این است که در این راه، سودی نصیب مسلمانان شده است.

اعراب عصر نزول قرآن کریم، همین معنا را از آیه شریفه می‌فهمیدند. در اینجا به یک

نمونه اشاره می‌شود؛ طبق نقل برخی منابع تاریخی، ابوبکر برای این‌که خداوند از او راضی باشد وصیت می‌کند خمس تمام اموالش را بپردازند. خلیفه اول برای این کار خود به قرآن مجید استناد می‌کند و فوراً آیه شریفه خمس را می‌خواند؛ یعنی خداوند متعال فرموده که خمس تمام اموالتان را بپردازید (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۵۲).

علاوه بر این اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که مفسران واقعی قرآن کریم‌اند و ناقلان سنت واقعی پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند، لفظ غنیمت را در آیه شریفه، عام گرفته و به معنای مطلق فایده تفسیر کرده‌اند.

از آیه شریفه دو نکته اساسی استفاده می‌شود:

۱. خمس، به سود کسب‌وکار تعلق می‌گیرد و ادای آن واجب است؛
۲. این حکم در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ابلاغ و اجرا شده است؛ به دلیل این‌که هر حکمی نازل می‌شد آن حضرت در مسجد آن را قرائت فرموده و به صورت عملی حکم مذکور را آموزش می‌داد و این کار را چندبار تکرار می‌کرد؛ از طرف دیگر مسلمانان فوراً به این حکم عمل می‌کردند.

ج) عصر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

گرفتن خمس توسط خود رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و کارگزاران و نمایندگان و مأموران دریافت خمس (بلاذری، همان، ج ۱، ص ۸۴) که به عنوان یک نهاد می‌توان از آن یاد کرد عملی شد و جا افتاد. در این قسمت برخی از آن‌ها به اجمال تبیین می‌شود.

خمس در دولت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

پس از نزول آیه خمس پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مأمور اجرای این حکم و تکلیف همانند آیات نماز، حج، جهاد، تغسیل و احکام دیگر که از طرف خداوند حکم به اجرای آن‌ها می‌شد، بود. این فرمان الهی به منزله دستور تشکیل نهادی در دولت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای رسیدگی به امور خمس بود؛ چرا که خمس نیز یکی از احکام مالی اسلام است که باید اجرا می‌شد تا بین مردم همانند نماز و حج... فرهنگ‌سازی شود؛ بنابراین حضرت در راستای اجرای آن، فرامین و

احکامی صادر می‌فرمود؛ حتی به مناطق تازه‌مسلمان شده در راستای اجرای حکم خمس احکامی صادر فرمود. خمس منحصر به غنائم جنگی نیست، بلکه خمس براساس سیره حضرت به درآمد هم شامل می‌شود؛ یعنی از درآمد و منافع سالیانه نیز باید خمس داده شود. این مفهوم نیز در سیره حضرت انجام و عملی شده است. در راستای اجرای همین معنا نیز حضرت از برخی طوایف و قبایل درخواست پرداخت خمس کرده است؛ از جمله احکامی که طی نامه‌ای به قبایل مختلف حجاز ارسال کرده است چند نمونه تبیین می‌شود که هم شامل اصل خمس و هم از منافع و درآمدهای غیردرآمد (غنائم جنگی و...) می‌باشد:

۱.۱. نامه‌ای که حضرت به ملوک حمیر نوشته و در این نامه از آنان خواسته خمس درآمدهایشان را بپردازند «...اعطیتم من المغانم خمس الله وسهم نبیه و...» (بلاذری، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۸۲).

۲.۱. نامه دیگر که به عبد یغوث حارثی نوشته و از او درخواست پرداخت خمس مغانم کرده است (ابن‌سعد، ج ۱، ص ۲۶۸).

۳.۱. نامه‌ای به جهنیه و از دشت، چراگاه، زمین‌ها، زراعات و درآمد آن درخواست خمس کرده است (همان). این نامه نشان می‌دهد که خمس بر درآمدهای مختلف شامل می‌شده است و حضرت دریافت در زمان خود می‌کرده است؛ لذا آنچه که برخی از فرق از آیه خمس برداشت می‌کنند که تنها شامل غنائم جنگی بوده است درست نیست.

۴.۱. نامه دیگر از حضرت رسول‌الله ﷺ که برای دریافت و ابلاغ حکم خمس و اجرای آن در زمان خود اقدام فرموده است نامه‌ای به اکیدر دومه (دژ و روستایی میان شام و مدینه نزدیک منطقه جبل طی) است. در این نامه از درآمد میوه‌های نخل و باغات و آبادی‌های آن درخواست کرده و این ملک‌ها را به شرط پرداخت خمس آن‌ها به آنان تملیک مشروع نموده است (بلاذری، ۱۴۰۵ ق، ص ۷۲).

۵.۱. حضرت رسول‌الله ﷺ نامه‌ای دیگر به رئیس قبیله وائل بن حجر حضرمی که یکی از قبایل اطراف مدینه بود ارسال کرده است و از او خمس معادن و رکائز را درخواست نموده است.

۲. دریافت خمس از دیگر اموال و درآمدها

برخی گمان می‌کنند که خمس صرفاً به غنایم جنگی یا عایدات نقدی تعلق می‌گیرد، اما در سیره رسول خدا ﷺ چنان‌که نوشته شد و گزارش‌های معتبری وجود دارد به مردم امر می‌فرمود علاوه بر خمس غنایم، خمس دیگر اموال را نیز بپردازند؛ چنان‌که ایشان به ابوذر و سلمان و مقداد می‌فرمود: «بیرون کردن خمس از هرچه که مردم آن را مالک می‌شوند نیز واجب است تا آن‌که آن را به دست سرپرست مؤمنان و زمامدارشان برسانند» (سیدین طاووس، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۳۰). همچنین اگر کسی گنجی به دست می‌آورد، نزد رسول خدا ﷺ می‌آید تا خمس آن را خارج کند. این سیره در عصر - خلفا نیز ادامه یافت؛ چنان‌که عمر، معدن را به منزله رکاز (گنج) در خمس قرار داد (متقی هندی، ج ۶، ص ۵۴۱). ملاک وی یافتن گنج در مخروبه و یا منطقه غیرمسکونی بود (عینی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۰۲).

۳. غنایم در نبردها

طبق گزارش‌های متعدد برخی از مسلمانان از همان آغاز هجرت که در درگیری با مشرکان غنیمتی را به دست می‌آوردند، طبق رسم‌های پیش از اسلام، غنایم را نزد رسول خدا ﷺ آورده و می‌گفتند: ای رسول خدا ﷺ آنچه مخصوص شماست و یک‌چهارم را بگیر و باقی را به ما واگذار نما؛ پس همان‌طور که ما در جاهلیت رفتار می‌کردیم، یک‌چهارم از غنایم و صفایای آن و حکم، فرمان شماست (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۹۲). با این حساب در عصر - نبوی بر مسلمانان لازم بود که خمس غنایم به دست آمده از سرزمین‌های مفتوحه و غنایم به دست آمده از مشرکان (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۳۷۸) و خمس درآمد را پرداخت کنند. طبق برخی گزارش‌ها نخستین غنیمت جنگی که سهم حاکم و رسول خدا ﷺ از آن برداشت شد، غنایمی بود که در جریان جیش عبدالله بن جحش در منطقه نخله به دست آمد. در این درگیری، کشمش، پوست و دیگر کالاهای تجاری به غنیمت مسلمانان درآمد و آن را به مدینه آوردند. عبدالله به یاران خویش گفت: یک‌پنجم غنیمت شما از آن رسول خدا ﷺ است؛ البته این پیش از تشریح خمس بود. به هر حال وی خمس غنایم را برای پیامبر گرامی ﷺ جدا و باقی‌مانده را میان یاران خود تقسیم کرد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۲ و



۴۸۱). به نظر می‌رسد مراد از تقسیم سهم حاکم همان مریع باشد که در عصر جاهلی مرسوم بود؛ زیرا واقدي در گزارش دیگری می‌نویسد: از ابی‌برده نقل شده است که پیامبر ﷺ غنایم اهل نخله را نگهداری کرد و به جنگ بدر رفت؛ آن‌گاه پس از بازگشت از بدر، غنایم نخله را با غنایم اهل بدر تقسیم و به هرکس حفش را عطا کرد (واقدي، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۸). سیوطی نیز درباره اسباب نزول آیه خمس (سیوطی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۰) می‌نویسد که مشاجره مسلمانان درباره غنایم بدر، زمینه نزول این آیه بود.

گفتنی است که رسول خدا ﷺ در جنگ‌های دیگر نیز بعد از گرفتن خمس غنایم، بقیه اموال را بین مسلمانان حاضر در جنگ تقسیم می‌کرد.

۴. بخشنامه برای گرفتن خمس

رسول گرامی ﷺ که حاکم الهی در جامعه اسلامی بود، به مسئله خمس توجه ویژه داشت. براساس همین اهتمام حضرت بود که فرماندهان جنگ پیش از تقسیم غنایم، خمس اموال را جدا می‌کردند. رسول خدا ﷺ پس از گسترش اسلام نیز به اجرای قوانین الهی اهمیت داد و با ارسال سفیران یا نگارش نامه به آموزش احکام و اجرای آن و نیز گرفتن خمس اهتمام بیشتری ورزید (نیشابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵). آن حضرت در نامه‌هایی خطاب به نهشلبن مالک واثلی باهلی، همراه با تأکید بر دوری از مشرکان (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۸۴)، بنی‌معاویة بن جَـرول الطائین (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳۱)، بنی‌جوین طائین (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۵۰)، عمروبن معبد جُهَـنی، بنی‌حرقه از جُهینة، بنی‌جرمز (همان، ص ۲۰۸)، بنی‌زهیربن اُقیش (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۶۶۶)، بنی‌جرش، صیفی‌بن عامر از طایفه ثعلبه (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۶۷) وفد بنی‌البُکاء فجعین عبدالله بکایی (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۳۲)، وفد قَزاره، وفد ثعلبه، وفد سعدبن بکر، صُمام‌بن ثعلبه و وفد الدارین از لَخم (مقریزی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۸۹)، رؤسای قبیله ذی‌رعین، معافر، همدان (حمیری کلاعی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۵) و مردم مسلمان یمین (یعقوبی، ج ۲، ص ۸۰) می‌نویسد: «خمس غنایم را بپردازید»؛ همچنین خطاب به عمروبن مرّه جُهَـنی می‌نویسد: «به پرداخت خمس اقرار کنید» (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۰).

همین‌طور رسول خدا ﷺ در نامه‌ای خطاب به قبیله زُهَیرین اَقِیش تأکید فرمودند: «باید شهادت دهند که خدایی جز خداوند یکتا نیست... و بپذیرند که در غنایم آن‌ها خمس و سهم و صفایای نبی هست (ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۶۳).

در برخی از بخشنامه‌های رسول خدا ﷺ خطاب به مسلمانان هیچ‌گونه اشاره‌ای به جنگ و غنیمت‌جنگی نشده است؛ چنان‌که برای طایفه حَدَس از قبیله لَحَم نوشتند: «هرکس که نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و بهره خدا و رسولش را رعایت کند» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۰۵). در گزارش دیگری آمده است که رسول خدا ﷺ نامه‌ای خطاب به ابونخَیله لَهی نوشت و در آن وجوب خمس رِکاز (گنج) را یادآوری کردند (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۳۴۰)؛ نیز در نامه‌ای که مخاطب آن مشخص نیست نوشتند: «فروش سهم از مغنم پیش از پرداخت خمس جایز نیست» (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۴۵۱).

از ظاهر این دسته از بخشنامه‌های حکومتی حضرت به کارگزاران یا رؤسای قبایل به‌دست می‌آید که مراد آن حضرت اهتمام مردم به پرداخت سهم خمس از باب عمل به تکلیف شرعی و پاک کردن مال آنان بوده است؛ زیرا اگر مراد، خمس غنایم بود، باید در این نامه‌ها نیز به خمس غنایم اشاره می‌شد.

د) بررسی احادیث نبوی ﷺ پیرامون خمس ارباح مکاسب

علاوه بر آنچه که به‌عنوان سیره حکومتی پیامبر ﷺ درباره دریافت خمس و عملی کردن این فرمان الهی مطرح شد، روایات متعدد دیگری نیز درباره پرداخت خمس و لزوم اهتمام به آن وجود دارد. برخی از این احادیث که در قالب نامه‌های رسول خدا ﷺ بیشتر اشاره شد. در اینجا لازم است نامه‌ها و روایات مطرح شده در خصوص خمس از دو جهت مورد بررسی و تحلیل و تبیین قرار گیرد:

۱. جهت صدور و سند؛

۲. جهت دلالت.

۱. از جهت سند: این نامه‌ها در حدّ تواترند و در نزد علمای شیعه و سنی معروف،

به گونه‌ای که جلال‌الدین سیوطی عالم بزرگ اهل سنت می‌گوید: «از جهت شهرت، نیازی به ذکر سند ندارند؛ علاوه بر این، برخی از این نامه‌ها در موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ، به همان صورت اصلیشان موجودند».

این نامه‌ها را عالم محقق، فقیه زاهد، حضرت آیت‌الله حاج شیخ علی احمدی میانجی، در کتاب شریف مکاتیب‌الرسول ﷺ، با تمام اسناد و منابع، گردآوری و عکس بعضی از نامه‌ها را ضمیمه کرده است (احمدی میانجی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳).

۲. بزرگانی که این روایات و نامه‌ها را شرح کرده‌اند، بدون هیچ شک و تردیدی، نتیجه گرفته‌اند که رسول خدا ﷺ از کسب و کار و هر درآمدی، خمس می‌گرفته است (نوری همدانی، ۱۴۱۸ ق، ص ۸۶-۱۱۰).

برای اطمینان بیشتر، این سخنان نورانی را مورد امعان نظر و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. پیامبر اکرم ﷺ در نامه‌ای به قبیله جهینه، چنین مرقوم می‌فرمایند: «... انّ لکم بطون الارض و سهولها و تلاع الاودیه و طهورها، علی ان ترعوا نباتها و تشربوها، علی ان تؤدوا الخمس و تصلوا الخمس» (حمیدالله، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۴۲).

خداوند معادن زمین، کوه‌ها، دشت‌ها و رودخانه‌های زمین را در اختیار شما قرار داده، تا از آن‌ها بهره ببرید، گیاهش را بچرانید، آبش را بنوشید. در مقابل این همه نعمت، باید خمس امواتان را ادا کنید - نفرموده، خمس غنایم جنگی را - و نمازهای پنج‌گانه را به‌جا آورید».

دلالت حدیث شریف نبوی ﷺ واضح است و نیازی به تفسیر ندارد؛ یعنی بر روی دوش این زمین سوار شوید، بهره ببرید و سرمایه کسب کنید و نهایتاً خمس اموات و دارایی‌تان را پرداخت کنید. حضرت با قرار دادن خمس در مقابل نماز، بر این مطلب تأکید فرمودند که خمس نیز همانند نماز از واجبات شرعی است و اهمیت زیادی دارد.

۲. نامه آن جناب به طایفه حدس از قوم لخم: «... من أسلم من حدس من لخم و أقام الصلوة و آتی الزکاة و أعطی حظّ الله و حظّ الرسول و فارق المشرکین فأئنه آمن بدمّة اله و ذمه محمد (احمدی میانجی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۸)؛ هرکس که از طایفه حدس، از قوم لخم، مسلمان شود، نماز را به‌پا دارد، زکات مالش را بپردازد، سهم خدا و رسولش را عطا کند، از مشرکین فاصله بگیرد، در امان خدا و رسولش می‌باشد».

بدیهی است که مراد از حظّ الله و حظّ الرسول ﷺ، خمس است و اشاره به آیه شریفه خمس می‌باشد؛ حضرت، در مقام بیان بودند و کلامشان را به مورد خاصی مقید نکرده، بلکه به صورت عام فرموده، سهم خدا را عطا کنید. از چه چیزی عطا کنیم؟ عدم تقید، مفید عموم است؛ یعنی از هر آنچه دارید، خمس بدهید. دلالت این حدیث هم روشن و واضح است که رسول الله ﷺ از آن‌ها خمس طلبیده و در مقابل، امنیتشان را تضمین کرده‌اند.

۳. نامه به وائل بن الحجر الحضرمي و قبیله‌اش: «من محمد رسول الله الي الأقبال العباهلة من اهل حضرموت: بأقم الصلوة و ايتاء الزكاة، و علي التیعة شاة و التیمة لصاحبها، و في السیوب الخمس» (احمدی میانجی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۳۸).

رسول خدا ﷺ در این نامه مبارک، چند دستور صادر می‌فرماید:

۱. اقامه نماز؛

۲. پرداخت زکات؛

۳. از هر چهل گوسفند، یک گوسفند به عنوان زکات واجب است؛ بعد از چهل، تا زمانی که به نصاب بعدی نرسیده‌اند، زکات ندارند؛

۴. بر اموالی که مورد نیاز نیست، خمس تعلق می‌گیرد.

واژه «سیب» در لغت عرب به معنای رها کردن و ترک نمودن شتر در بیابان است، تا بچرد. اعراب شترانی را که به شیر و پشم آن‌ها نیاز نداشتند در بیابان رها می‌کردند تا برای خود بچرد، درحالی‌که خود را مالک این شتر می‌دانستند. بعداً این واژه در هر مالی که مورد نیاز نیست، استعمال شده است؛ از این رو عرب به هر چیز ترک شده که خارج از نیاز است، «سائبه» می‌گویند؛ براساس این معنا، دلالت حدیث واضح و روشن است؛ یعنی هر مالی که مازاد بر نیاز انسان است، خمس بر آن واجب است (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۱۴۹)؛ حتی پرداخت زکات، کفایت از خمس نمی‌کند؛ قرار دادن وجوب ادای خمس، در سیاق پرداخت زکات گوسفندان، با این تعبیر مفید این امر است که اگر این گوسفندانی که زکاتشان را داده‌اید، مازاد بر نیاز شما باشد، خمس‌شان را هم بدهید.

۵. سفارش پیامبر اکرم ﷺ به طایفه بنی‌عبدالقیس: نمایندگانی از مردان این طایفه نزد

رسول خدا ﷺ مشرف شدند و عرضه داشتند: «أنا لا نستطيع أن نأتیک الا فی أشهر حرم، بیننا

وبینک المشركين من مضر، فمرنا بجمل الامر؛ ان عملنا به دخلنا الجنة...؛ فقال: آمرکم بأربع وأنهاکم عن أربع؛ آمرکم بالایمان بالله؛ وهل تدرون ما الايمان بالله؟ قالوا: الله ورسوله اعلم؛ قال: شهادة أن لا إله إلا الله، وأن محمداً رسول الله وأقام الصلوة وابتاء الزكاة وأن تعطوا من المغنم الخمس... (بخاری، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۱۶). ما جز ماهای حرام نمی توانیم خدمت شما برسیم؛ چون در مسیر ما مشرکان مضر هستند و ما در امان نیستیم؛ پس دستور بفرمایید تا با عمل به آن، وارد بهشت شویم. حضرت فرمودند: شما را به چهار چیز امر می کنم و از چهار چیز نهی؛ آن ها را امر کردند به ایمان به خدای یگانه؛ بعد سؤال کردند، می دانید ایمان یعنی چه؟ عرضه داشتند: خدا و رسولش عالم اند به این امر؛ حضرت فرمودند: ایمان یعنی شهادت به وحدانیت خداوند و شهادت به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ سپس فرمودند: امر می کنم، به اقامه نماز، ادای زکات، پرداختن خمس از درآمدها و فواید».

بر چند دلیل منظور آن بزرگوار پرداخت خمس از غنایم جنگی نیست، بلکه همان معنای لغوی را اراده فرموده اند.

۱. این ها طایفه کوچکی بودند که نه تنها جرئت جنگیدن نداشتند، بلکه به خاطر ترس از قبیله بنی مضر، نمی توانستند در همه زمان ها نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شوند؛ پس جنگی در کار نبود تا غنیمتی باشد.

۲. حکم شروع جنگ و جهاد برعهده رسول الله صلی الله علیه و آله بود و هیچ کس حق نداشت بدون اذن حضرت، جنگی راه بیندازد؛ درحالی که آن جناب هیچ حکم جهادی برای این طایفه صادر نفرموده اند.

۳. پرداخت خمس غنایم جنگی، به عهده امیر لشکر است و هیچ حکمی متوجه سربازان نیست، درحالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرد فرد این قبیله را به پرداخت خمس مکلف کرد، همان گونه که همه به اقامه نماز مکلف بودند؛ یعنی آن جناب، برای این ها احکام فردی صادر کرد.

۶. نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عمرو بن حزم زمانی که او را به عنوان نماینده خود به ین فرستادند. این نامه مفصل و طولانی است؛ حضرت احکام شریعت را در این مرقومه برای مردم ین تشریح فرموده است؛ حضرت امام صادق علیه السلام به این نوشته عنایت خاصی داشتند

- به طوری که امر فرمودند این نامه را نزد آن بزرگوار بیاورند، تا در آن نظاره فرماید.
- فرازی از این نامه در مورد خمس است: «وآمره أن يأخذ من المغنم خمس الله (بلاذری، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۸۴)؛ من به نماینده امر می‌کنم خمس اموال را از مردم یمین بگیرد».
- دلالت این حدیث هم واضح است به جهت این‌که:
۱. مردم یمین بدون جنگ و از روی اختیار ایمان آوردند؛ پس غنایم جنگی در کار نبود؛
 ۲. رسول خدا ﷺ به نماینده اعزامی خود امر می‌فرمایند از فرد فرد جامعه خمس بگیرد، درحالی‌که پرداخت خمس غنایم جنگی بر افراد جامعه واجب نیست؛
 ۳. منابع تاریخی هیچ جنگی را برای مردم یمین بعد از اسلامشان ذکر نکرده‌اند؛
 ۴. اگر جنگی هم باشد، مخاطب، فرمانده لشکر است، نه دیگران.
- برای رعایت اختصار، به ذکر این پنج نامه اکتفا می‌کنیم.

ه) آثار و پیامدهای معنوی و فرهنگی خمس در تمدن اسلامی

اگر به خمس و آثار مثبت آن به‌عنوان تمدن و یک نهاد در دولت اسلامی نگاه کرد و مورد تحلیل و مذاقه قرار داد، بی‌گمان یکی از با برکت‌ترین و مؤثرترین نهاد و مقوله اسلامی به‌شمار می‌آید که در گسترش و بسط علوم اسلام و رونق تمدن اسلامی تأثیرات تعیین‌کننده و وسیعی به‌بار آورده است؛ لذا بی‌تردید خمس یکی از مقولات و مؤلفه‌هایی است که در تأسیس و پیشرفت و توسعه و رشد تمدن اسلامی آثار بی‌شماری داشته است. این آثار از عصر رسالت در تأسیس و تکون تمدن اسلام و پس از آن در رشد و رونق و مانایی و توسعه تمدن اسلامی و فرهنگ اسلام و گسترش اصل دین تأثیر بسیار چشمگیری داشته است؛ از خمس در تشکیلات اسلامی به‌عنوان یک نهاد می‌توان نام برد که از عاملین خمس و کارگزاران تشکیل می‌شده است.

۱. آثار معنوی پرداخت خمس

خمس و عمل کردن به آن در آیه کریمه یکی از نشانه‌های ایمان و از اعمال حسنه و محسنین شمرده شده است؛ بر این اساس می‌توان گفت آیات و روایات معصومان علیهم‌السلام و نیز مشاهدات عینی نشان می‌دهد که خدای سبحان، اعمال و رفتار خوب و شایسته را در همین دنیا جبران می‌فرمایند.

دادن خمس به متولیان شرعی آن از مصادیف بارز احسان و نیکوکاری است که آثار و برکات این عمل بی‌شمار است. آثار احسان و نیکوکاری در این دنیا تعجب‌آور و شگفت‌انگیز نیست؛ چراکه این وعده خدای سبحان است که می‌فرماید: «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْ رَبُّكُمْ خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَكَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنْعَمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» (هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می‌شد پروردگار شما چه چیز نازل کرده؟ می‌گفتند: خیر (و سعادت)؛ (آری) برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت، از آن هم بهتر می‌باشد و چه خوب است، سرای پرهیزگاران» (نحل: ۳۰). به عنوان نمونه برای بررسی تأثیر رسیدگی به فقرا و نیازمندان، وقتی خمس در اختیار امام و نایبش قرار می‌گیرد او در جاهای مختلف که مصلحت می‌بیند، مصرف می‌نماید؛ از جمله سادات یتیم و فقرای سادات و... که ده‌ها خاطره از حامیان ایتم ذکر شده و نمود عینی و تأثیر شگرف چنین احسان‌هایی اثبات شده است؛ مرور این خاطرات نشان می‌دهد که نیکی و احسان به نیازمندان که یتیمان یکی از این گروه‌ها هستند، گره‌های زندگی آنان را باز کرده، زندگی‌شان را ترقی می‌دهد هم از نظر معنوی و هم مادی (فجری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲). یکی از خیرین که مبلغ قابل توجهی برای خانواده‌های نیازمند اختصاص داده بود، پس از مدتی فرزند سرطانی این خانواده نیکوکار، شفا یافت.

از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده: «در بنی اسرائیل مرد صالحی زن نیکوکاری داشت. مرد شبی در خواب دید که شخصی به او می‌گوید: خدا فلان مقدار عمر برای تو مقدر شده، که نصف آن در رفاه و آسایش هستی و نصف دیگر در مضیقه و تنگدستی؛ هر کدام از دو نصف را می‌خواهی اول انتخاب کن! مرد جواب داد: من زن خوبی دارم که شریک زندگی‌ام است، با او مشورت می‌کنم؛ سپس به تو خبر می‌دهم. صبح جریان را با همسرش در میان گذاشت و از او مشورت خواست. همسرش گفت: ابتدا نصف رفاه و آسایش را برگزین؛ شاید خدا بر ما رحم کند و در نصف دیگر نیز نعمتش را از ما قطع نکند. شب دوم فرارسید و بار دیگر، آن شخص به خوابش آمد. مرد صالح در جواب گفت: من نصف رفاه و آسایش را اول انتخاب کردم. بعد از آن رؤیا، دنیا از هر طرف به او رو آورد؛ چون نعمت‌های الهی نزد او فراوان و آشکار شد، همسرش به او گفت: خویشان، همسایگان و افراد محتاج را کمک کن!

آن مرد به توصیه همسرش عمل کرد. نصف تعیین شده از عمر او در کمال رفاه و آسایش و کمک به دیگران گذشت؛ سپس از نصف هم گذشت و همچنان وضع مالی او خوب بود. برای سومین بار همان شخص در عالم رؤیا نزد او آمده، گفت: نیکی و احسان تو باعث شد که خدا به تو پاداش مرحمت فرماید؛ تو تا آخر عمر در نعمت و رفاه به سر خواهی برد» (راوندی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۹۳، ص ۱۶۲).

از جمله آثار پر خیر پرداخت خمس - که یکی از مصادیق احسان و نیکو کاری است - می توان به چند نمونه اشاره کرد:

۱. طول عمر

یکی از آثار احسان و نیکوکاری «طول عمر» است؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ، وَمَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ؛ آنهایی که به خاطر گناه می میرند، بیش از آنهایی هستند که با اجل طبیعی می میرند و کسانی که به خاطر نیکی زنده می مانند (و طول عمر می یابند)، بیش از کسانی هستند که عمر معمولی می کنند» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۰۵).

۲. تداوم نعمت

در بازاریابی و کسب و کار کسانی درآمد بیشتری دارند که نیازهای جامعه را بهتر درک و پیش بینی کنند. بر همین اساس فروشگاه هایی که توزیع بیشتری داشته باشند، جنس بیشتری در اختیار آنان قرار می گیرد و از این مسیر، سود بیشتری کسب می کنند. بررسی آیات قرآنی نیز نشان می دهد که انسان های مؤمن در قبال والدین، فقرا و مستمندان، ایتام، همسایگان دور و نزدیک، در راه ماندگان و... مسئولیت پذیرند و نیازمندان را نیز از آنچه خدا به آنان بخشیده، شریک می کنند و خداوند مهربان نیز به آنان که توزیع کننده خوبی می باشند، بیش تر می بخشد؛ امیرمؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «مَنْ بَسَطَ يَدَهُ بِالْإِنْعَامِ، حَصَنَ نِعْمَتَهُ مِنَ الْإِنْصِرَامِ؛ کسی که دستش را برای بخشندگی (به دیگران) بگشاید، نعمتش (و دارایی اش) را از نابودی حفظ می کند» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۹).

۳. جلوگیری از مرگ بد

مهم‌تر آن‌که براساس روایات، احسان و نیکوکاری عامل جلوگیری از مرگ‌های بد معرفی شده؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ، تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ؛ کارهای نیک، (انسان را از) مرگ‌های بد باز می‌دارند» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۵۴). افزون بر این احسان و نیکوکاری موجب آرامش روحی شده (بقره: ۲۶۲)، از ذلت و خواری نیکوکار جلوگیری می‌کند (یونس: ۲۶) و انسان را از لغزشگاه‌های خطرناک حفظ می‌نماید (کلینی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۹).

ب) آثار اخروی

براساس آیات قرآنی، گرچه اثرات دنیوی احسان و نیکوکاری قابل انکار نیست، اما آثار اخروی آن، بیشتر، بهتر و ماندگارتر است (نحل: ۳۰)؛ ازجمله:

۱. محبوبیت

احسان و نیکوکاری باعث محبوبیت انسان نزد خدا و خلق می‌شود؛ از این‌رو، آیه شریفه: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره: ۱۹۵)، بیانگر جایگاه و ارزش احسان و نیکوکاری در پیشگاه خدای متعال است.

۲. پرمفعت‌ترین معامله

کسانی که از قدرت جسمی، اقتصادی و اجتماعی خود برای کمک به دیگران استفاده می‌کنند، در حقیقت با خدا وارد معامله می‌شوند؛ به همین خاطر محبوب پروردگار شده و حضرت حق، جایگاه ویژه‌ای برای شأن در نظر می‌گیرند؛ علی علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْإِحْسَانِ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ زِرَاعَةٍ وَأَرْبَحُ بَضَاعَةٍ؛ بر شما باد به احسان و نیکوکاری در حق دیگران، که آن برترین و پرمفعت‌ترین کشت و زرع و سود آخرتی برای شما خواهد بود» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۸۳).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای نشان دادن اهمیت احسان به ایتام، دو انگشت سبابه و میانی خود را نشان داد و فرمود: «أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ كَهَاتَيْنِ فِي الْجَنَّةِ؛ من و آن کسی که سرپرستی یتیمی را بپذیرد، در بهشت، بسان این دو انگشت، در کنار یکدیگر خواهیم بود»

(آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۰۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳۵، ص ۱۱۷).

۳. بهترین توشه آخرت

احسان به عنوان بهترین توشه آخرت، معرفی و قرآن کریم با تأکید بر این مطلب فرموده: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب و بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن» (قصص: ۷۷)..

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ أَحْسَنَ إِلَى الْعِبَادِ وَتَزَوَّدَ لِلْمَعَادِ؛ خوشا به حال کسی که به بندگان خدا نیکی کند و برای روز قیامت، توشه بردارد» (آمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۹).

۴. آثار مادی، فرهنگی و تمدنی پرداخت خمس

خمس ضمن این‌که آثار معنوی پرشماری دارد که به مواردی اشاره شد، آثار تمدنی و فرهنگی گسترده نیز داشته است که به این بعد از بحث خمس چندان توجه خاص نبوده است. این بحث نیازمند تفصیل و تحلیل در قالب مقاله و کتاب جداگانه است. در این مجال تنها به گوشه‌ای از آثار تمدنی خمس اشاره می‌شود و این واقعیت است که خمس پشتوانه محکم برای دین و... می‌باشد «... ان الخمس عون علی دیننا...» (کلینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۶۰).

چنان‌که اشاره شد براساس آنچه در آیه ذکر شده مصرف خمس غیر از زکات، صدقات، خیرات و... است. خمس مربوط به فقرای سادات و آل محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد که در فقه مشمولین خمس مورد بحث قرار گرفته است (نوری، همان، ص ۴-۳۷).

خمس ادوار مختلفی همانند سایر احکام دین داشته است. در دوران عصر- رسالت که دوره پایه‌گذاری و استقرار است و اصل حکم به‌عنوان تکلیف، فرهنگ‌سازی و عملی می‌شود، دره آغازین است که حضرت ابلاغ فرمود و عملی کرد و جای هیچ تردیدی باقی نماند؛ بعد از دوره رسالت دوره‌هایی دارد، اما مهم این است که خمس در اختیار امامت و حق امام معصوم است و یک پشتوانه مالی برای امام است جهت تأمین هزینه مالی امامت؛ از این‌رو مخالفت ممانعت در دریافت آن توسط صاحبان واقعی و ذی‌حقان نیز در مقابل اجرای خمس پس از رسول خدا وجود داشته است. در ادوار بعدی ممانعت و



محدودیت وجود داشته تا به دست امام و مستحقین واقعی نرسد؛ چون پشتوانه محکم امامان و یکی از زمینه‌های بسط شیعه بود، با همه ناملایمات و کارشکنی در دوران امامت، خمس با فراز و فرود دریافت شده و تعطیل نبوده و آثار تمدنی زیادی از این ناحیه به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام رسیده است؛ از جمله نشانه‌های رواج خمس بیان احکام خمس از سوی ائمه علیهم‌السلام بوده است و مردم و پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز درباره خمس از ائمه سؤال پرسیده و اجازه چگونگی پرداخت آن را به دیگران و صاحبان حق پرسیده‌اند؛ چنان‌که از امام رضا علیه‌السلام سؤال کردند (کلینی، ج ۱، ص ۴۵۷ و ۴۶۰). دوران ائمه بعدی همانند دوران پیامبر که مأموران حضرت و وکلای حضرت دریافت کرده و به حضرت ارسال می‌کردند، مأمورین و وکلای رسول خدا معمولاً رؤسای قبایل یا حاکمان منسوب حضرت بودند یا مأموران و کارگزارانی از طرف حضرت گسیل می‌شد برای دریافت که جمع نموده و به مدینه فرستاده می‌شد (بلاذری، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۸۴؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۳-۲۴). در دوران ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه امام باقر علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام، (خوئی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۱۶۰)، امام جواد علیه‌السلام (خوئی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷، ص ۲۷۴ و ۳۷۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۱۴۰؛ کشی، بی‌تا، ص ۴۶۷)، امام هادی (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۴؛ کشی، بی‌تا، ص ۴۶۶؛ طوسی، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۳۲) و امام عسکری علیه‌السلام (کشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۴۴) حضرات وکیل و نماینده داشتند که از شیعیان و پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام خمس دریافت و با اجازه امام به مصرف می‌رسید یا توسط وکیل به محضر حضرات ارسال می‌شد؛ بر این اساس با محوریت وکلای ائمه خمس دریافت شده و در تربیت دانشمندان و امور دین و حمایت از خانواده‌های آنان با اجازه امام به مصرف می‌رسید و رکنی از تمدن که علم بود بالنده و رشد می‌نمود و به‌صورت دامنه‌دار این جریان زنده بود تا عصر غیبت صغری که امام زمان نواب و وکلای خاص داشت و این‌ها در پاسداشت همین مسیر علمی تمدن اسلامی کوشش کردند تا در عصر غیبت فقهای شیعه تربیت شدند و زمام امور علمی و فقهی اهل‌بیت علیهم‌السلام توسط این جریان تا عصر حاضر با وجود بحران‌های بسیار سخت و شکننده زنده مانده و دانشمندان بسیار در سایه این جریان تربیت‌یافته و مدارس علمی و دینی بنا شده و حتی با مدیریت فقهای شیعه مراکز بهداشتی تأسیس شده که در استحکام و رشد پایه‌های تمدنی و علمی

تمام جهان اسلام تأثیر مستقیم و انکارناپذیری داشته است؛ از جمله آثار مثبت این درآمد مالی با برکت، تأسیس کتابخانه‌های بزرگ در قلمرو وسیع اسلامی بوده است که تأثیر تمدنی این مرکز بی‌نهایت و بی‌شمار و آشکار است. این مراکز خیریه علمی و آموزشی و بهداشتی حتی در دنیا نیز تأثیرات فراوان داشته است؛ نمونه عینی‌تر از این آثار را می‌توان در تربیت دانشمندان بزرگی چون ابن‌سینا، فارابی، ملاصدرا، خوارزمی، خواجه طوسی، علامه حلی و... آشکار دید که تابش اندیشه‌ها و آثار بی‌شمار دستاوردهای علمی این دانشمندان در سطح جهان می‌درخشد. آثار علمی، طبی و فلسفی ابن‌سینا علاوه بر جهان و ممالک اسلامی در تمامی دنیا و تمدن بشری غیرقابل انکار است (علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۲، ص ۴۷۵). آثار علمی دیگر مانند علوم تجربی و ریاضی‌دانان یا شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام، مانند فردی چون جابر بن حیان که تأثیر مبنایی در تربیت دانشمندان متخصص در علوم مختلف حتی علوم غربیه داشته (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۴۹۸) همه این‌ها گوشه‌ای از برکات و آثار مادی و معنوی و تأثیراتی تمدنی حاصل از خمس است؛ چراکه فقهای شیعه و علمای بزرگ از طرف ائمه علیهم السلام نیابت عامه در گرفتن و مصرف این حق پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام داشتند و این روند همچنان ادامه دارد و برکات و آثار تمدنی خمس که خداوند آن را به‌عنوان تکلیف به مؤمنان لطف فرموده همچنان ادامه دارد؛ اگرچه در ظاهر شاید ناچیز دیده شود، اما برکات الهی آن واقعاً بی‌شمار و غیرقابل احصاء است. هزاران بنای تمدنی و آثار و مراکز علمی که فقها و دانشمندان تأسیس کرده‌اند و خیرات و برکات آن عاید و شامل عموم طبقات انسانی در جوامع اسلامی و غیراسلامی شده است و دامنه این خیر و برکت تا قیامت پابرجا خواهد بود از آثار دریافت خمس است. در این مقاله بیشتر از این می‌توان به ابعاد و برکات این نهاد و نعمت و ودیعه الهی خمس پرداخت و‌گرنه جای تبیین و تفصیل و شرح بیشتر همچنان پیش روی دانشمندان و قلم به‌دستان هنرمند باز است که ان‌شاءالله صاحبان قلم در این‌باره بیشتر تأمل کرده تا در زمینه این واجب دینی و تفهیم برکات آن کوشش کنند و همچنان به استمرار و بقای این حکم الهی و پشتوانه مالی دین، ادای دین کنند و دهان شبهه‌گران و مخالفین دین را ببندد که با هدف تعطیل کردن خمس با انواع نگاه‌های منفی و اغراض به آن ایراد می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات حکومت مبارکشان از سود و منافع هرکسی و هر درآمدی خمس می‌گرفتند و بسیار بر آن تأکید می‌فرمودند؛ همچنین از قبایل تازه‌مسلمان بر ادای آن پیمان می‌گرفتند؛ بنابراین آنچه که تصور شده، خمس مبنای قرآنی ندارد و یا در متأخر به وجود آمده، نادرست است.

۲. باید توجه داشته باشیم که یکی از مصادیق احسان و نیکوکاری خمس است که به‌عنوان تکلیف و واجب الهی باید همچنان پایدار بماند؛ دادن خمس فریضه و وظیفه‌ای است که خدای مهربان، برعهده تک‌تک افراد جامعه اسلامی گزارده است؛ قبل از آن‌که دیگران به کمک ما نیازمند باشند، ما نیازمند احسان هستیم، تا بتوانیم از ثمرات آن بهره‌مند شویم.

۳. خمس بعد از عهد رسول‌الله صلی الله علیه و آله توسط ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام دریاف شده و براساس فرمایش خداوند در قرآن برای خدا و رسول «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ» (انفال: ۴۱) و بعد از رسول صلی الله علیه و آله هرچه برای آن حضرت بود برای امام است؛ لذا این سنت استمرار داشته و آثار تمدنی حاصل از خمس بی‌شمار است.

۴. برای تبیین آثار و برکات علمی و تمدنی این فریضه الهی در این مقاله بیشتر از این نمی‌توان پرداخت؛ لذا به همه اهل قلم و دانشمندان پیشنهاد می‌شود در تبیین برکات علمی و تمدنی این تکلیف الهی کوشش کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، ترجمه علی شیروانی، ج ۸، قم: دارالعلم، ۱۳۹۱.

۱. ابن اثیر، اسدالغابة في معرفة الصحابة، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، ج ۱، بیروت: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۳ ق.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة في تمييز صحابه، تحقیق عادل احمد، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۱، بیروت: دارصادر، بی تا.
۵. ابن سعد الهاشمي البصري، محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق علی شیری، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
۸. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید ربیع، سنن، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۹ ق.
۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۱۰. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول ﷺ، ج ۱، قم: دارالحديث، ۱۳۷۴.
۱۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، ج ۱، بیروت: المكتبة الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. برقی، احمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.



۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ج ۱، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۵ ق.
۱۶. بهشتی، اقتصاد اسلامی، ج ۱، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۷. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۲، مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.
۱۸. حمیدالله، محمد، مجموعه الوثائق السیاسیه للعهد النبوی ﷺ و الخلافة الراشده، ج ۶، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. حمیری کلاعی، ابوالربیع، الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله ﷺ و الثلاثة الخلفاء، ج ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۶ ق.
۲۱. راوندی، قطب الدین، قصص الأنبياء ﷺ، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. زنجانی، بیت‌الله بیات، فقرستیزی، ج ۱، قم: انتشارات شکوری، ۱۳۷۳.
۲۳. سعدی، بوستان، به کوشش نورالله یزدان‌پرست، ج ۴، تهران: دانش، ۱۳۶۸.
۲۴. سیدین طاووس، الاقبال الاعمال، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۲۵. سیدین طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب، مشهد: تاسوعا، ۱۴۲۰ ق.
۲۶. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: الدارالمعرفه للطباعة والنشر، بی‌تا.
۲۷. سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی تفسیرالمأثور، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. شیخ صدوق، الأمالی، ج ۴، تهران: انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۹. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴.
۳۱. شیخ طوسی، الامالی، قم: انتشارات دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ج ۴، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.

۳۳. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان فی التفسیرالقرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، چ ۳، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۳۴. طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، چ ۳، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۳۵. طریحی، فخرالدین بن محمدعلی، مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین، تحقیق سیداحمد حسینی اشکوری، تهران: ۱۳۷۵.
۳۶. طوسی، محمدبن حسن، رجال الطوسی (جامعه مدرسین)، محقق جواد قیومی اصفهانی، چ ۳، قم: ۱۳۷۳.
۳۷. عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیره‌النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، چ ۲، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۳۸. علیاری تبریزی، علی‌بن عبدالله، بهجة‌الآمال فی شرح زبدة‌المقال، محققان شهاب‌الدین مرعشی، متوفای، شرح هدایت‌الله مسترحمی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانیور، ۱۴۱۲ ق.
۳۹. عینی، محمودبن احمد، عمدة‌القاری، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی‌تا.
۴۰. فجرى، محمدمهدى، همنشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، چ ۴، قم: انتشارات مهر امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۹۲.
۴۱. قرشى، باقرشريف، تحليلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ترجمه محمدرضا عطایی، چ ۱، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۴۲. قمی، شیخ عباس، سفینه‌البحار، چ ۲، بیروت: المكتبة الاسلامیه، ۱۴۳۰ ق.
۴۳. کشی، محمدبن عمر، اختیار معرفة‌الرجال، محقق مهدی رجایی، مصحح محمدباقر بن محمد (میرداماد)، مؤسسة آل‌البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی‌تا.
۴۴. کاشانی، حامد رحمت، ترجمه صحیفه سجادیه، چ ۲، تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر، ۱۳۹۶.
۴۵. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، چ ۱، قم: دارالعلم، ۱۴۱۵ ق.

٤٦. لیثی واسطی، علی بن محمد، **عیون الحکم و المواعظ**، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چ ١، قم: دارالحدیث، ١٣٧٦ ش.
٤٧. متقی هندی، علاء الدین، **کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال**، چ ١، تحقیق شیخ بکری حیاتی، بیروت: مؤسسة الرساله، ١٤٠٩ ق.
٤٨. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٤ ق.
٤٩. محمدی زاهدی اصل، **مقدمه ای بر خدمات اجتماعی اسلام**، چ ٢، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ١٣٨٧.
٥٠. مقریزی، احمد بن علی، **إمتاع الأسماع**، چ ١، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٢٤ ق.
٥١. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، **تفسیر فونه**، چ ١، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ١٣٧٤.
٥٢. مکارم شیرازی، ناصر، **خطوط اصلی اقتصاد اسلامی**، چ ١، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛ ١٣٦٠.
٥٣. مکارم شیرازی، ناصر، **سوگندهای پربار قرآن**، گردآوری و تحقیق ابوالقاسم علیان نژادی، چ ٢، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ ١٣٨٦.
٥٤. مکارم شیرازی، ناصر، **مثالهای زیبای قرآن**، چ ١، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ چ ١، ١٣٨٢.
٥٥. نجاشی، احمد بن علی، **رجال النجاشی**، محقق موسی سیدشیری زنجانی، قم: جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ١٣٦٥.
٥٦. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٥.
٥٧. نوری همدانی، حسین، **الخمس فی ضوء اهل بیت العصمة (علیهم السلام)**، قم: بوستان کتاب، ١٣٨٨ ق.
٥٨. نیشابوری، مسلم، **الصحيح**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
٥٩. واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، چ ٣، بیروت: اعلمی، ١٤٠٩ ق.
٦٠. یعقوبی، ابن واضح، **تاریخ یعقوبی**، چ ١، بیروت: دار صادر، بی تا.